

<span><b>گیلان امروز</b></span>	
روز‌نامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی گیلان	
<b>صاحب امتیاز و مدیر مسول: محمدکاظم شکوهی راد</b>	
<b>رشت – خیابان آیت ا… احسان بخش (صیقلان – تختی) ساختمان توسکا</b>	
<b>طبقه ۳ کدپستی: ۴۱۷۲۷۳۸۰۳۳</b>	
<b>تلگرام: ۰۹۱۱۳۸۷۴۱۲۵</b>	<b>تحریریه: ۳۲۲۶۸۱۱۳</b>
<b>امور آگهی ها: ۳۲۲۶۸۱۱۵</b>	<b>فکس<span> </span>: ۳۲۲۶۸۱۱۴</b>
<b>لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر نوین</b>	<b>تلفن:۰۷۶-۳۲۲۳۴۰۷۲۷-۳۳۲۲۴</b>
<b>سایت: www.gilan-today.com</b>	
<b>پست الکترونیک:gilantoday@gmail.com</b>	

**چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۹ | ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۴۲ | ۶ ژانویه ۲۰۲۱**



بهشت آیین، انگورستان، بادامستان، نارنجستان، کلاه‌فرنگی، باغ تخت، باغ آلبالو، باغ طاووس، باغ نقش جهان، باغ فتح‌آباد، گلداسته، تالار اشرف، عمارت خورشید، عمارت خسروخانی، باغ زرشک، باغ چرخاب، باغ محمود، باغ صفی‌میرزا، باغ قوشخانه، باغ نظر، عمارت و سردر باغ هزارچریب و عمارت جهان‌نما. فقط برای درک میزان خرابکاری و خلافتکاری این آقا‌زاده ناصرخان قاجار این نکته را داشته باشید که ظل‌السلطان دستور داد روی نقاشی‌های نفیس داخل چهل‌ستون را با گچ بپوشاند و نقاشان روی آن‌ها نقاشی‌های جدید بکشند!

**دشمن حیات‌وحش**

ظل‌السلطان لایذ از روی خودشیفتگی و به‌سبک پدر تاج‌دارش خاطرات هم می‌نوشت. از قضای روزگار همین خاطراتش شده منبع تاریخی بارززشی درباره دوره قاجار و البته، چون درباره وقایع شکارهای روزانه‌اش هم نوشته درباره محیط‌زیست و حیات‌وحش آن روزگار نیز اطلاعات جالبی دارد و شده است کتاب «تاریخ سرگذشت مسعودی».

حالا حرف شکار شد، این را هم بگوییم که اگر گمان می‌کنید خیانت‌های این آقا‌زاده عجیب و غریب فقط در حد تخریب آثار باستانی است، شخصیت ظل‌السلطان را دست‌کم گرفتارماید. فقط یک نمونه از شاهکارهایش این‌که یک‌بار که به شبه‌جزیره میانکاله قشون کشید، بلایی سر حیات وحش آورد که چندگونه حیوانی از جمله ببر و پلنگ و مرال و شوکا و گاومیش در این شبه‌جزیره منقرض شد. چگونه؟ خاطرات خودش را بخوانید: «وارد دهانه جزیره شدیم. آن قدر گاو که از دهات گریخته بود و به آن‌جا رفته بود و به مرور وحشی شده بود و ببر و مرال و قرقاول و شوکا دیدیم و شکار کردیم، نمی‌دانم خواننده باور می‌کند یا نه… این اردوی به این بزرگی و عظمت به قدر چهل روز در این جزیره کوچک ماندیم، شخصی نبود از تفنگچی و سرباز و سوار که شکاری زنده باشد، آن‌چه میرزا محمد خان، منشی من یادداشت کرده بود به حکم من از این قرار است: ۶ هزار قرقاول به ساری به دوستان خودمان در شهر فرستاده شد، به جز دزدیده شده‌ها و به آمار نیماده‌ها، ۳۵ ببر، ۱۸ پلنگ، ۶۳ گاو و گاومیش اهلی که وحشی شده بودند، ۱۵۰ مرال که گاو کوهی می‌گویند در این ۴۰ روز توقف ما در آن جا کشته شد… در این ۴۰ روز صدای تفنگ از هم نمی‌برید و دیگر روزهای آخر شکارها قربی نداشتند.» با همین کار ظل‌السلطان است که بسیاری او را دشمن درجه یک محیط زیست ایران می‌دانند. بله، این هم از این!

## سلاح ایرانی که سرنوشت مهم‌ترین جنگ کشور را تغییر داد

از طریق پرتابه‌های بزرگ و کوچک به سمت لشگر دشمن پرتاب شده و آن را از هم می‌پاشاند. از این سلاح بعدها نیز استفاده شد، چنانکه پروکوپئوس مورخ بیزانسی می‌نویسد: « جنگجویان ایرانی کوزه‌های بسیاری را که از گوگرد و قیر انباشته بود، آتش می‌زدند و به سوی رومی‌ها پرتاب می‌نمودند…» همچنین طبق روایتی، قبل از این جنگ و هنگامی که بهرام در بادکوبه بود متوجه قدرت اشتعالی نفت شد و دستور داد مهندسان سپاهش سلاحی شبیه به راکت‌های امروز درست کنند. این سلاح بروی قاطر نصب می‌شد و پنج نفر مسئول حمل و به کار بردن آن بودند و با کشیدن پرتاب می‌شد. اما به جز این، حرکت سریع بهرام نیز در پیروزی او موثر بود. چوبینه برای آن‌که زودتر به میدان جنگ برسد، نخست به اهواز رفت سپس از راه یزد و کویر، خود را به خراسان رساند، از این رو، هنگامی خاقان از لشگرکشی بهرام آگاه شد که تا رسیدن سربازان ایرانی به بلخ، تنها ۴ روز مانده بود. بهرام به یگان‌های آتشبار (نفت‌اندازان) گفت که یورش را با پرتاب پیکان‌های شعلهور و نیز راکت‌های نفتی آغاز کنند و ادامه دهند تا آرایش سپاهیان خاقان برهم خورد.

**نتیجه جنگ**

در نبرد خاقان بهرام با ۲ هزار سوار گزیده به جایگاه خاقان یورش برد. خاقان گریخت، سپس کشته شد و سپاه بزرگ او از هم پاشید و پسر وی نیز گرفتار شد. این جنگ تنها یک روز به درازا کشید که از شگفتی‌های تاریخ نظامی جهان است.



نمی‌خواستند با این آقا‌زاده دردسرساز درگیر شوند. حتی ناصرالدین قاجار فقط تنها کاری که توانست با او انجام دهد این بود که، چون حاکم ولایات دیگری از جمله کردستان و لرستان و یزد هم شده بود وی را از همه این مناصب عزل کرد تا فقط همان حاکم اصفهان باشد و تمام. آخرسر وقتی برای تاج‌گذاری محمدعلی شاه به تهران آمد، مردم اصفهان اعتصاب کردند و تحصن کردند و بلوا شد تا بالاخره اصفهان از دست وی نجات یافت.

**لج کرد و آثار باستانی را تخریب کرد**

ظل‌السلطان در اصفهان چه کرد؟ چشم تاریخ روز بد نبیند! بخش بزرگی از آثار باقی‌مانده از دوره صفویه را تخریب کرد! کسی هم نفهمید چرا. ولی می‌گویند، چون لج کرده بود که چرا من شاه نشدم، حداقل ۵۰ عمارت و باغ بارزش دوران صفویه در اصفهان را نابود کرد، از باغ و قصر سعادت آباد تا عمارت هفت‌دست، قصر نمک‌دان، آیینه خانه، بهشت برین،

**گیلان امروز** – قاجارها که ۷ پادشاه داشتند و حدود ۱۳۰ سال در ایران حکومت کردند، «آقا‌زاده» هم زیاد داشتند. همین آقا‌زاده‌ها دمار از روزگار ملت و مملکت درآوردند.

سلطان مسعود میرزا ۱۵ دی ۱۲۲۸ شمسی در تبریز زاده شد و تا روزی که در سال ۱۲۹۷ در اصفهان بمیرد، کارهای عجیب و غریب زیادی انجام داد که خود شاهان قاجار هم تعجب می‌کردند و بارها از مناصب مختلف عزلش کردند. این مسعودخان پسر بزرگ ناصرالدین قاجار بود و لقب «ظل‌السلطان» داشت، ولی، چون مادرش از ایل قاجار نبود، طبق قانون آن روزهای قاجاریان نمی‌توانست شاه بشود.

خودش البته این را قبول نداشت و همین‌طور که همراه مظفرالدین قاجار، ولیعهد سالخورده، ببر و پیرتر می‌شد. منتظر هم بود که بالاخره فرجی بشود و شاه بشود. حتی به ناصرالدین قاجار هم پیشنهاد داده بود که اگر او را ولیعهد کند، پول هنگفتی به وی می‌دهد. یعنی می‌خواست به شاه که پدر خودش بود، رشوه بدهد! چنین آدمی بود ظل‌السلطان.

بعد هم که ناصرخان مُرد و مظفرخان، شاه شد دیگر زد زیر کاسه و کوزه و چه کارها که نکرد؛ در این حد که در زمان محمدعلی شاه قاجار که مخالف مشروطه بود، گاهی با مشروطه‌طلبان همکاری سیاسی و نظامی هم می‌کرد، بلکه خودش بتواند شاه شود. فقط همین نبود، کارهایی کرد که خیانت‌آمیز بود؛ در خاندان هزارفامیل قجر یک آقا‌زاده ابروئرو و رسوای تمام‌عیار بود.

**شبه‌واش چه بود؟**

ظل‌السلطان از کجا آن‌قدر پول آورده بود که بتواند به شاه هم پیشنهاد رشوه بدهد؟ داستان دارد! ۱۳ ساله بود که شد حاکم مازندران و سمنان و آن طرف‌ها. بزرگ‌تر که شد حاکم فارس شد و آن‌قدر ظلم کرد و به‌زور مالیات گرفت و املاک مردم را مصادره کرد که از دستش شکایت کردند و بلوا شد و به‌ناچار عزلش کردند و فرستادند حاکم اصفهان بشود. آن‌جا هم روی‌باش همین بود و بیش از ۳۰ سال حاکم بود و آن‌قدر مال جمع کرده بود که خودش می‌گفت برای ۱۰ نسل بعدی‌اش کافی است. حالا چرا عزلش نمی‌کردند؟ چون خیلی پول داشت و در میان شاهزادگان قاجار قدرت سیاسی هم داشت و برای خودش در اصفهان لشکری با بیش از ۲۰ هزار تفنگچی درست کرده بود و اصلا حرف شاه را هم قبول نداشت. یعنی در واقع شاهان قاجار نمی‌توانستند او را عزل کنند یا لااقل

## سلاح ایرانی که سرنوشت مهم‌ترین جنگ کشور را تغییر داد

**ساوه شاه که بود؟**
ساوه شاه نام یکی از شاهان اقوام شمالی ایران است که در عهد ساسانیان و هرمز چهارم ساسانی به ایران حمله کرد. برخی او را از اقوام آلتائیک و برخی نیز نژاد او را نزدیک به مردم غرب چین دانسته اند. نام این خاقان در اصل باغا خاقان بوده که در منابع ایرانی «ساوه شاه» آورده شده است. او با قدرتی که داشت توانست طی چند سال تا ماوراءالنهر نیز لشگر بکشد و حتی تا بلخ نیز پیش برود. برخی تعداد سپاهیان او را ۴۰۰ هزار نفر دانسته اند. با این حال، چندی از حضور ساوه شاه در بلخ نگذشته بود که هرمز نیرویی برای مقابله با او فرستاد. فرمانده این سپاه اعزام شده بهرام چوبین بود.

**چگونگی وقوع جنگ و نبوغ نظامی بهرام چوبین**

بهرام قبل از جنگ مهم خاقان مرزبان ارمنستان و آذربایجان (اُتورپاتکان) بود. هرمز چهارم بهرام را برای مقابله به سوی ترکان گسیل داشت. بهرام ۱۲ هزار تن از سوارکاران را برگزید که سن هیچ‌یک از آن‌ها کمتر از ۴۰ سال نبود. این در حالی بود که سپاه پادشاه ترکان، سیصد هزار تن ذکر شده‌است.

در سال آخرماه ۵۸۸ میلادی، ارتش ایران در جنگ با خاقان در بلخ، از جنگ‌افزار تازه‌ای که در آن نفت خام، به کار رفته بود، سود برد.

طبق گفته مورخین، این سلاح کاملا ابداعی بود و تا پیش از این، توسط قومی به کار نگرفته شده بود. این سلاح در واقع، یک ماده مشتعل بود که

**گیلان امروز** – در ماه نوامبر سال ۵۸۸ میلادی ارتش ایران در جنگ با خاقان یا «شابه» با ساوه شاه برخورد کرد و او را در جنگی سخت شکست داد. فرمانده ایران در این جنگ بهرام چوبینه (چوبین) بود که با به‌کارگیری یک تاکتیک جنگی مناسب توانست دشمن را شکست دهد. بهرام و لشگرش در جنگ خاقان که در بلخ به وقوع پیوست، از سلاح تازه‌ای که در آن نفت خام بکار رفته بود استفاده کردند.در این گزارش سعی داریم مروری بر آغاز و پایان این جنگ و تاکتیک بهرام در آن اشاره‌ای داشته باشیم.

**بهرام چوبینه که بود؟**

بهرام پهلوانی بود متعلق به یک خاندان بزرگ و اشرافی اشکانی یعنی خاندان مهران که در ری و خراسان می‌زیسته اند. خود او متولد ری بود و در همان منطقه توانست در کنار بزرگان خاندانش تبدیل به یک فرمانده برجسته نظامی شود. او فردی قد بلند و لاغر اندام بود و به همین دلیل او را چوبین (شبیه چوب) می‌گفتند. نبوغ نظامی، شجاعت، جسارت و به خصوص انتساب به یکی از خاندان‌های مشهور باعث شد این سردار در جوانی مراتب قدرت را طی کرده و فرمانده نظامی و پاسدار ارشد مناطق آذربایجان و ارمنستان شود. این دو منطقه، مرز مشترک امپراتوری روم و ایران بودند که از چند صد سال قبل محل تاخت و تاز درگیری‌های شدیدی بین این دو قدرت بزرگ دنیای باستان بود. بنابراین، می‌توان بهرام را مهم‌ترین فرمانده نظامی ایران و پیش قراول نبرد با رومی‌ها دانست و همین نکته اهمیت او را به خوبی نشان می‌دهد.

### پشت پرده خواستگاری نادرشاه از ملکه روسیه



روسیه ایجاد کرد و این قدرت گرفتن، با اوج‌گیری اقتدار نادرشاه همزمان شد. روابط میان فرمانروای افشاری و ملکه تزاری به تدریج و با تعاملات نظامی اتفاق افتاده بیشتر شد.

با این حال، اطلاعات نادرشاه درباره ملکه روسیه زیاد نبود. تا آن‌که یک‌بار، هنگامی که جمعی از بازرگانان روس به دربار او آمده‌بودند، اطلاعاتی درباره آنا ایوانوا به دست آورد. طبق گزارش میرزامهدی‌خان استرابادی، «در حین حضور نواب صاحبقران از جماعت تجار اروس‌او احوال و پرسش پادشاهی آقا بانو (منظور آنا ایوانواست) نمودند که زن چگونه پادشاهی می‌کند و ارکان دولت او چگونه خدمت می‌نمایند؟ ایشان گفته بودند که

# امروز و هر روز با گیلان امروز

**۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳**
**۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵**

**Gilan-today.com**

**همکاران گیلان امروز :**

**وحید اسماعیلی (مسئول تحریریه)، حسین عنبری، سعید سیمیاری، علیرضا خانی، احمد خدمتگزار**

**نسرین شکوهی راد، وحیده اسماعیلی، شهلا ابراهیم زاده، فرشته فتوحی، سمیرا بشارت**

**شهرستانها :**
**باشار مقدم، یدالله کشاورز و محبوبه شالی**

### کشکول

### اثرات روانشناختی رنگ‌ها

**گیلان امروز** – اگرچه برداشت از رنگ تا حدودی ذهنی است، اما برخی از جلوه‌های رنگی وجود دارند که معنای جهانی دارند. اما انسان‌ها چگونه به رنگ‌های مختلف پاسخ می‌دهند؟ در ادامه می‌توانید برخی از این تأثیرات را در رنگ‌های مختلف مشاهده کنید:

**سیاه**

اثرات مثبت: پیچیدگی، زرق و برق، امنیت، ایمنی، کارایی

اثرات منفی: سرکوب، سردی، تهدید، سنگینی

رنگ سیاه کاملا جذب کننده است. پیامدهای روانشناسی رنگ سیاه قابل توجه است. این رنگ موانع محافظتی ایجاد می‌کند، زیرا که تمام انرژی‌هایی را که به سوی شما می‌آید جذب می‌کند و شخصیت شما را پنهان می‌کند. سیاه در اصل عدم وجود نور است، چرا که هیچ طول موجی منعکس نمی‌شود و بنابراین می‌تواند تهدید کننده باشد؛ بسیاری از مردم از رنگ تیره می‌ترسند. اما از لحاظ مثبت نگری به صورت مطلق ارتباط برقرار می‌کند.

**سفید**

اثرات مثبت: پهداشت، بی باری، وضوح، خلوص، پاکي سادگی، پیچیدگی، بهره‌وری

اثرات منفی: ناباروری، سردی، موانع، عدم دوستی

درست همانطور که سیاه جذب کننده است، سفید بازتابنده کامل است. در واقع، این نیروی کامل طیف سفید را در چشم ما نشان می‌دهد. از این رو، جلب می‌کند. دلیلی که از این رنگ در چراغ‌های راهنمایی در سراسر جهان استفاده می‌شود نیز همین خاصیت جلب توجه است. اثر رنگ قرمز فیزیکی است؛ به این معنی که احساسات را تحریک می‌کند و نبض افراد را افزایش می‌دهد. اثر منفی سفید در رنگ‌های گرم باعث می‌شود که آن‌ها به نظر برسند و احساس خوبی ایجاد کنند.

**قرمز**

اثرات مثبت: قدرت جسمانی، قدرت، گرما،انرژی، بقاء،تحریک، مردانگی، هیجان
اثرات منفی: اختلال، تجاوز، تاثیر منفی بصری، فشار
قرمز طولانی‌ترین طول موج را دارد و به همین دلیل است که توجه ما را می‌جلب می‌کند. دلیلی که از این رنگ در چراغ‌های راهنمایی در سراسر جهان استفاده می‌شود نیز همین خاصیت جلب توجه است. اثر رنگ قرمز فیزیکی است؛ به این معنی که احساسات را تحریک می‌کند و نبض افراد را افزایش می‌دهد. این رنگ مربوط به اصل مردانگی است و می‌تواند غریزه «مبارزه یا پرواز» را فعال کند. قرمز از لحاظ روانشناسی رنگ قدرت است.

**آبی**

اثرات مثبت: هوش، ارتباطات، اعتماد، کارایی، آرامش، وظیفه، منطق، خنکی، انعکاس، آرامش

اثرات منفی: سردی، بی اعتمادی، عدم احساس، عدم دوستی

آبی رنگ ذهن است و اساسا آرامش بخش است. این رنگ به لحاظ ذهنی تأثیر به‌سزایی دارد و تأثیر آن با واکنش فیزیکی که ما به رنگ قرمز داریم متفاوت است. آبی پرتنگ تفکر ما را تحریک می‌کند و آبی کم رنگ، ذهن و تمرکز را آرام می‌کند. به نظر می‌رسد اشیاء آبی به اندازه قرمز به ما نزدیک نیستند، رنگ آبی رنگ جهان است.

**سبز**

اثرات مثبت: هماهنگی، تعادل، استراحت، عشق جهانی، آرامش، اطمینان، تعادل، صلح

اثرات منفی: خستگی، رکود، خالی از انرژی، بی نظمی

سبز رنگ تعادل است و بدان معنی است که هر چیزی سر جای خودش است و نیازی به تنظیم و تغییر نیست. هنگامی که به جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که حاوی مقدار زیادی رنگ سبز است، این نشان دهنده حضور آب و قحطی کم است، بنابراین ما با رنگ سبز، به سطح بالایی از اطمینان می‌رسیم. از منظر منفی، این رنگ می‌تواند رکود را نشان دهد.

**زرد**

اثرات مثبت: خوش بینی، اعتماد به نفس، عزت نفس، قدرت احساسی، دوستی، خلاقیت

اثرات منفی: غیر منطقی بودن، ترس، شکندگی احساسی، افسردگی، اضطراب، خودکشی

طول موج زرد نسبتا طولانی و اساسا تحریک کننده است. در این حالت این رنگ محرک احساس است، بنابراین زرد قوی‌ترین رنگ از نظر روانی است. زرد، روحیه ما و اعتماد به نفس ما را افزایش می‌دهد؛ این رنگ اعتماد به نفس و خوش بینی را بالا می‌برد.اما استفاده بیش از حد از آن می‌تواند باعث کاهش عزت نفس، ایجاد ترس و اضطراب شود.

**بنفش**

اثرات مثبت: آگاهی معنوی، مهارت، بینایی، لوکس بودن، اعتبار، حقیقت، کیفیت

اثرات منفی: برون گرا، انحطاط، سرکوب، نادیده گرفتن

کوتاه‌ترین طول موج برای رنگ بنفش است که اغلب به عنوان رنگ ارغوانی توصیف می‌شود. این رنگ آگاهی را به سطح بالایی از ذهن، حتی به حوزه ارزش‌های معنوی می‌رساند.این رنگ بسیار درونگرا است و تفکر عمیق با مراقبه را تشویق می‌کند و معمولا بهترین کیفیت ممکن را در اختیار قرار می‌دهد.

**خاکستری**

اثرات مثبت: بی‌طرفی روانی

اثرات منفی: عدم اطمینان، رطوبت، افسردگی، خواب زمستانی، کمبود انرژی
خاکستری خالص تنها رنگی است که خواص روانشناسی رنگ مستقیمی ندارد. با این حال، کاملا سرکوبگر است و زمانی که جهان خاکستری می‌شود، ما به طور غریزی شرایط را برای آماده شدن برای خواب زمستانی آماده می‌کنیم. به غیر از تن دقیق، خاکستری اثر متفاوتی روی رنگ‌های دیگر مورد استفاده دارد. استفاده از خاکستری معمولا عدم اطمینان و ترس از قرار گرفتن در معرض دید را نشان می‌دهد.

**نارنجی**

اثرات مثبت: راحتی، گرما، امنیت، حساسیت، اشتیاق، فراوانی، سرگرم کننده
اثرات منفی: محرومیت، سرخوردگی، ناامیدی، عدم بلوغ
از آنجا که نارنجی ترکیبی از قرمز و زرد است، رنگ تحریک کننده‌ای است و در واقع ترکیبی از بخش فیزیکی و عاطفی است. این تمرکز ما بر مسائل فیزیکی – غذا، گرما، پناهگاه و … – و حساسیت را افزایش می‌دهد. این رنگ از نظر روانشناسی سرگرم کننده است. اما اثر منفی آن می‌تواند بر روی محرومیت تمرکز کند. استفاده بیش از حد از رنگ نارنجی، بیهودگی و فقدان ارزش‌های فکری را به دنبال دارد.

**صورتی**

اثرات مثبت: آرامش فیزیکی، پرورش، گرما، زنانه بودن، عشق، جنسیت، بقا
اثرات منفی: مهار، ترس احساسی، تخریب، ضعف فیزیکی

این رنگ به صورت ته مایه‌ای از رنگ قرمز، از لحاظ جسمی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما این تأثیر به این شکل است که ما را آرام می‌کند، نه تحریک. صورتی از لحاظ روانشناسی رنگ، یک رنگ قدرتمند و روان شناختی است. این رنگ نشان دهنده اصل زنانگی و بقای گونه است؛ این رنگ پرورش دهنده و تسکین دهنده جسم است. استفاده بیش از حد از رنگ صورتی از لحاظ فیزیکی می‌تواند تا حدی مخرب و سست کننده باشد.